

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

قطعهنامه پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره گزارش سیاسی

پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش سلسلی بوری موقت را استماع نمود و تزهائی را که در باره « وضع کشور و وظائف ما » در توضیح ماهیت کودتا، عیار اصلاحات رژیم، شیوههای تازه عمل رژیم، وضع اپوزیسیون، مسئله جبهه واحد و هدف تاکتیکی و خواستههای حزب ما و راه تحول در کشور ما از طرف بورو تنظیم شده بود، مورد بررسی قرار داد. پلنوم در اطراف گزارش سیاسی و تزهائی بحثی لازم را انجام داد و به نتایج زیرین رسید:

۱ - پلنوم گزارش سیاسی بورو و تزهائی تنظیم شده را بعنوان پایه ای برای تحلیل وضع کشور و تعیین

وظائف مبرم ما می پذیرد.
۲ تحلیل منظم، جامع و واقع بینانه ای از وضع کنونی جامعه ایران و پدیده های که در آن می گذرد بر اساس مارکسیزم - لنینیسم، وظیفه مهمی است که طی فعالیت بوروی موقت در فاصله دو پلنوم بایستی بگیری دنبال نشده است. رهبری آینده موظف است این نقص جدی را مرتفع سازد و در قبال حوادث مهم جامعه ما پیوسته موضع گیری صریح نماید و تحلیل پدیده های تازه را بموقع و بدقت بدست دهد و افکار عمومی افراد حزبی و مردم ایران را مجهز سازد و مشی ارگانهائی تبلیغاتی ما را دائما روشن نگاه دارد.

۳ - پلنوم رهبری آینده توصیه می کند قبل از انتشار تزهائی مربوط بوضع کشور و وظائف ما، آنها را بنحوی زبیرات تصحیح و تکمیل کند:
الف) نکات تحلیلی و پیشنهاد هائی را که در گزارش سیاسی ذکر شده ولی در تزهائی تنظیمی نیامده است در این تزها وارد سازد؛
ب) تذکرات اعضاء پلنوم را در باره ماهیت طبقاتی رژیم کودتا، نحوه برخورد ما به اصلاحات رژیم، مسئله جبهه واحد، مسئله تنظیم خواستههای مبرم حزب، مسئله راه تحول کشور، در نظر گیرد.
بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیراً پلنوم یازدهم (چهارم) حزب توده ایران تشکیل بود. سه نکته در دستور جلسه پلنوم قرار داشت: الف - موضع گیری حزب ما در مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری؛ ب - وضع سیاسی ایران و فعالیت بوروی موقت کمیته مرکزی در اجراء تصمیمات پلنوم دهم (سوم) در مورد مسائل تشکیلاتی؛ ج - در باره مسئله رهبری. پلنوم در اطراف مواد سگانه دستور جلسه خود تصمیمات لازم را اتخاذ نمود. اسناد مصوبه پلنوم در روزنامه مردم و مجله دنیا نشر خواهد یافت.

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

شادباش شصتمین سال تولد بر رفیق رادمش

بناسبت شصتمین سال تولد از طرف بوروی کمیته مرکزی حزب ما و از جانب عده ای از احزاب و از انجمله کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی شادباشی به رفیق رادمش نوشته شد. متن شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روزنامه پراودا نیز نشر یافته است. ما ذیلاً متن شادباش بوروی

نامه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بر رفیق دکتر رضا رادمش صدر بوروی

رفیق و دوست عزیز بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و کمیته مرکزی حزب و تمام رفقای حزبی شصتمین سال تولد شما بشما صمیمانه شادباش میگوید. شما از اوان جوانی پسی در راه مبارزه انقلابی نهادید و در تمام این مدت وفاداری خود را به راه طبقه کارگر، به اندیشه تپناک مارکسیزم - لنینیسم، به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بی خلل نگاهداشتید. شما بعنوان

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به صدر بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق رادمش

مردم شوروی شما را بعنوان هوادار صمیمی بسطمناسبات دوستانه بین ایران و اتحاد شوروی می شناسند. برای شما، رفیق رادمش عزیز، تندرستی و زندگی دراز و فعالیت پرثمر به خیر و صلاح زحمتکش ایران آرزو مندیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

قطعهنامه مصوب پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی

حزب توده ایران درباره مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی

کارگران و کمونیستی جهانی

پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران، گزارش بوروی موقت کمیته مرکزی را در باره مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و موضع گیری، حزب ما در این اختلاف استماع نمود و پس از بحث در اطراف مسائل مطرحه در گزارش به نتایج زیرین رسید:

۱ - پلنوم کمیته مرکزی گزارش بوروی موقت و احکام و مواضع اساسی را که در این گزارش مورد دفاع قرار گرفته تأیید میکند و ترتیب انتشار این گزارش را بر رهبری آینده محول میسازد.

۲ - طی سالهای اخیر در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بر سر یک سلسله مسائل مربوط به استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری

بقیه در صفحه ۴

وضع کشور و وظائف مبرم ما

(تزهائی مصوب پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران)

۱ - ماهیت رژیم کودتا

۱ - یازده سال از استقرار رژیم کودتا که در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر سر کار آمده میگردد و طی این مدت علیرغم تغییرات چندی که در ماهیت طبقاتی و شیوه های عمل این رژیم روی داده است، خصائص اساسی و شیوه های عمده کار وی بلا تغییر مانده است.

نخستین خصیصه اساسی رژیم موجود جنبه ضد ملی است؛ نقش سیاست بطرفی سنتی ایران و شرکت در بیمان ستو، انعقاد قرارداد دو جانبه با امریکا، عرضه داشت ثروت نفت کشور بانحصار های امپریالیستی، اتخاذ سیاست درهای باز و دادن شرایط ممتاز بفعالیت سرمایه های امپریالیستی در ایران، قبول قرضه های اسارت آور امپریالیستی، قرار دادن ارزش کشور تحت نظارت مستشاران بیگانه و دادن حق مصونیت سیاسی باین مستشاران، چنین است مظاهری چند از این جنبه ضد ملی.

دومین خصیصه اساسی رژیم موجود جنبه ضد دموکراتیک است؛ استبداد سلطنتی و کتیرلشاه از قوای سگانه، مسلط کردن سازمان امنیت بر کشور، محاکمات جابرانه در دادگاههای در بسته نظامی، شکنجه اعدام، کشتار دسته جمعی مردم، نفی بلد و تبعید از کشور بدون کمترین دادرسی، ممنوع داشتن احزاب ملی و دموکراتیک، سانسور مطبوعات و ممنوع داشتن انتشار جرایم اپوزیسیون، چنین است مظاهری چند از این جنبه ضد دموکراتیک. اما شیوه های اساسی کار رژیم که از همین دو خصیصه ناشی شده است و کماکان بلا تغییر مانده عبارتست از تکیه به ترور و تکیه به امپریالیسم بورژوا امپریالیستهای امریکا و انگلیس.

۲ - شاه که کارگردان عمده رژیم موجود است مدعی بود که میتواند طی دهسال ایران را در زمره کشورهای مرفه وارد سازد؛ ولی نتایج بیش از دهسال تسلط این رژیم اکنون در برابر دیده همگان است؛ رژیم نتوانسته است تضاد های جامعه ما را حل کند، نتوانسته است وضع اقتصادی و اجتماعی تثبیت شده ای بوجود آورد، نتوانسته است اعتماد مردم ایران را جلب کند. وخامت شدید وضع اقتصادی، رکود مزمن بازار، وضع بد تولید کشاورزی و صنعتی، بیگاری روز افزون، ترقی سرسام آور هزینه زندگی، سنگینی روز افزون بار قرضه های اسارت آور، کسر بوجه مزمن، تفاوت فاحش صادرات و واردات، تاخت و تاز آزاد سرمایه های غارتگر خارجی، هرج و مرج و فساد دستگاه اداری، بحران مزمن فرهنگی، ناخروستندی عمیق عمومی و غیره و غیره انچنان واقیبات عینی است که حتی سنگگوبان رژیم بوجود آنها معترفند.

۳ - با اینحال خلاصت اگر ما تحولاتی را که طی بیش از دهسال تسلط رژیم کودتا در ترکیب طبقاتی جامعه و رژیم و در شیوه های عمل وی روی داده است نبینیم و بدرستی ارزیابی نکنیم، رژیم در نتیجه عوامل مختلف داخلی و خارجی مجبور به عقب نشینیهایی شده، دست بر برههائی زده و بر تنوع اسالیب کار خود

(* طرح این تزها از جانب بوروی کمیته مرکزی به پلنوم یازدهم تقدیم شد. پلنوم رهبری را موظف کرد با توجه به تذکرات اصلاحی متعددی که در پلنوم داده شده است، این تزها را بعنوان سند

افزوده است. عاملی که رژیم کودتا و شاه را بعقب نشینی، بانخاذ شیوه های زرقم، بتوسل بمناور اجتماعی واداشته است در درجه اول عبارتست از عدم تعادل شدید و وخامت وضع اجتماعی در ایران وحدت تناقضات درونی جامعه ما. مدتهاست که یک سلسله مقررات و نظامات فرتوت و ارتجاعی (که یکی از آنها مناسبت اربابی- رعیتی در ده است) قبلی بر پای نیروهای مولده است. مجموعه این مقررات و نظامات فرتوت اجتماعی رشد قوای مولد را کند ساخته، بازار داخلی کشور را تنگ نموده و موجب فقر و بیگاری و عقب ماندگی مزمن جامعه ایران شده است. فعالیت تشکیلاتی و تبلیغاتی سازمان های مترقی و مقدم بر همه آنها حزب توده ایران طی بیست سال گذشته افکار عمومی را بصورت حل این تناقضات، بصورت یک رستاخیز اجتماعی واقتصادی و سمت و محتوی این رستاخیز متوجه ساخته است. نضج شرایط اجتماعی، فعالیت انقلابی سازمان های دموکراتیک و ملی و بورژوا حزب ما، با مصائب و محرومیتهای مردم ایران از طرفی، عناد و لجاج شاه و هیئت حاکمه در حفظ وضع موجود (که توجیه تاریخی خود را از دست داده و سد راه تکامل میهن ماست) از طرف دیگر، موجب شد وضعی ناپایدار و وخیم در جامعه ایران پدید آید، تضاد های طبقاتی بحسد انی تشدید شود، پایگاه اجتماعی شاه و رژیم او تنگ و شاه در جامعه ایران منفرد گردد.

وضع اجتماعی ایران بدانشکل که توصیف گردید در جهانی است که در آن تناسب عمومی قوا بسود نیروهای سوسیالیسم، دموکراسی و صلح تغییر کرده و میکند، در جهانی است که جنبشهای نجاتبخش ملی یکی پس از دیگری به پیروزی میرسند، در جهانی است که افکار عمومی مردم بیش از پیش نقش مؤثر در تعیین مسیر رشد اجتماعات انسانی ایفاء میکند. مسلماً این کیفیت در تقویت نهضت رهائی بخش مردم کشور ما دارای تأثیر فراوانی است.

امپریالیستها بورژوا امپریالیست های امریکا که خواستار بقا و ثبات رژیم دست نشانده کودتا در ایران هستند از این وضع در کشور نگران شدند. بعلاوه امپریالیستها حاضرند سیاست نئو کولونیالیستی خود را در کشورهای که دیگر حفظ فئودالیسم در آنها مبرر نباشد بطور وسیعتری بر روی بسوروزاری وابسته به امپریالیسم مبتنی کنند. از آن گذشته امپریالیستهار توسعه بازار داخلی کشورهای دست نشانده خود تا حدودی ذیفعنند زیرا این امر در حکم بسط بازار تحت فرمان آنهاست. بدین ترتیب از مدتها پیش امپریالیستها بورژوا امپریالیسم امریکا برای حفظ منافع غارتگرانه اقتصادی و تحکیم مواضع نو استعماری خویش شاه را بانخاذ تدابیری برای کاستن از حدت انقلابی جامعه وامیداشتند. روش شاه و مجلسین که در این کار تامل میوزیدند امپریالیستهای امریکا را ناراضی میساخت و روی سکر امنن امینی علیرغم شاه وی را در وضعی قرار داد که حاضر شد علیه تکیه گاه عمده سابق خود یعنی فئودالیسم وارد عمل شود تا بتواند سلطنت مطلقه

مصوب پلنوم منتشر سازد. اینک تزها پس از اصلاحاتی که پلنوم تصریح کرده بود، بعنوان تزهائی مصوب پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران نشر می یابد.

بقیه در صفحه ۴

وضع کشور و وظایف مبرم ما

خود را کماکان مورد اعتماد امپریالیستها نگاه دارد و منافع امپریالیسم و هیئت جاگمه را از حوادث غیرمترقب مصون سازد.

۴ - محتوی عمده اقتصادی و اجتماعی تحولاتی که در ایران میگردد و اصلاحات ارضی و برخی دیگر اقدامات رژیم آنرا تشدید کرده است عبارتست از زوال

بیش از پیش مناسبات فئودالی و پادشاهی و بسط سریع مناسبات سرمایه داری در ده و شهر. از اینجهت میتوان گفت که جامعه ایران یک جریان انقلابی را طی میکند. منتها این وضع در کشوری انجام میگردد که در قید سیاسی و اقتصادی استعمار است و هیئت حاکمه مرتجعی بر آن حکومت است. لذا سبوری کند، درناتک و ناهنجار دارد. پروسه بسط مناسبات سرمایه داری منجر بتغییرات مهمی در ترکیب طبقاتی جامعه شده و میشود: جریان فئودالی در روستای ایران تسریع میگردد.

بدین معنی که طبقه بیکپارچه رعیت به قشرهای بورژوازی، خرده بورژوازی، عناصر پرولتر و نیمه پرولتر تقسیم میگردد. تدریجی نیست که این پروسه ای نیست که بیکپارچه انجام پذیرد، بلکه تنها طی سالیان میتواند بسرانجام برسد و در شرایط خاص ایران موجب افزایش نفوس شهرها بحساب بیکاران میگردد و یک سلسله عواقب اجتماعی نامطلوب بهمراه میآورد.

پدیده جالب دیگری که در جامعه کنونی ایران دیده میشود علناست از کمبودی شدن بخش معینی از سرمایه داران در اثر پیدایش بانکها، کارخانه ها و شرکتهای بازرگانی و کشاورزی مختلط. این گروه نوظهور کمپوزور همراه دلالات سابق امپریالیست پیش ازین به قشر نیرومندی مبدل میگردد و حیات اقتصادی ایران را قبضه کرده و همان نقش درجه اولی را در ایران بازی میکنند که در سابق ملاکان فئودال ایفاء نموده اند. هدف رژیم از فروش کارخانه های دولتی که در برنامه شش ماده ای شاه گنجانده شده و آقاء انحصارهای دولتی که دولت منصور آنرا شرط

نیل برونقی اقتصادی دانسته، توثیق قشر سرمایه داران خصوصی در ایران، بزبان بخش دولتی اقتصاد است. در همه این موارد سرمایه خارجی محل مناسبتی برای رخنه و تسلط استرات او خویشت پیدا میکند.

مالکین فئودال نیز بتدریج تغییر سیمای میدهند. آنها در طول مدت با سرمایه داران زمین دار مبدل میگرددند یا بکمک رژیم که سعی دارد نفوذ و موقعیت اجتماعی آنها را محفوظ دارد سرمایه خود را در رشته های صنعتی و مالی و بازرگانی بکار میندازند، یعنی درحالیکه بتدریج به مثابه طبقه ازمیان میروند، کماکان بعنوان افراد مؤثر در ترکیب طبقات حاکمه باقی میمانند و شکل طبقاتی خود را عوض میکنند.

جریان فشر بندگی و بویژه ورشکستگی نصیب پیشه وران و کسبه شهرها نیز شده است. آنها در قبال رقابت روز افزون انحصارهای امپریالیستی و سرمایه داران ایرانی وابسته بانها تاب نیاورده و از پادرمیابند و اکثرآ بسپاه انبوه فقراء شهرها میروندند.

بدین ترتیب در کنار کاشها و خانه های مجلل، زاغه های فراروانی در اطراف شهرهای بزرگ پدید میگردد و بیکاری بصورت یک بلیه واقعی اجتماعی مدیدم قشرهای بیشتر و بیشتری از زحمتمکشان را فرا میگردد و تضاد قهر و ثروت در جامعه ما تشدید میگردد.

۵ - با توجه باین تحولات تعریف گذشته ما در باره ماهیت طبقاتی رژیم کودتا یعنی دیکتاتوری فئودال - کمپوزور دیگر دقیق نیست، بلکه صحیح تر است که گفته خود این رژیم در جریان تبدیل به دیکتاتوری قشرهای مختلف سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و مللکن است. شاه که سرمدار عمده رژیم است میکوشد تا پایگاه اجتماعی خود را بتدریج عوض کند، پایگاه کهنه فئودال - پانزیرکاران را

که دیگر قابل زیست نیست رها سازد و با ایجاد یک قشر نیرومند کمپوزور قشر و شهر و کولاک در ده پایگاه اجتماعی نوینی را که دارای خصالت سرمایه داربست برای خود تدارک ببیند و سلطنت ایران را بیش از پیش بیگ مونتینی بورژوازی مبدل سازد.

۶ - رژیم کودتا در شرایطی که وصف آن گذشت در اسلوب اداره کشور نیز تغییراتی وارد ساخته است. با آنکه کماکان شیوه ترور و تکیه بامپریالیسم شیوه عمل رژیم است، روشها وسیاستهای دیگری

مانند فرمیسم، ایجاد جمعیت ها، بافتن ایدئولوژیهای «انقلابی» و دم زدن از «برنامه علمی» و «نوسازی» را نیز باسالیب کار خود افزوده است.

برای آنکه عیار اقدامات رژیم فرمیستی شاه روشن گردد، بجاست آنها را مورد بررسی جداگانه قراردهیم.

۲ - عیار اصلاحات رژیم و شیوه تازه عمل آن

۷ - مهم ترین عمل اصلاحی رژیم عبارتست از اصلاحی ارضی که طبقه قانون اصلاحات ارضی و متمم آن در دو مرحله در ده ایران انجام شده و میشود.

قانون اصلاح ارضی و متمم آن قانون اصلاحی نیم بند است که مقاصد سیاسی و اجتماعی ارتجاعی شاه رژیم آنرا بسختی مثله کرده است. در جریان اصلاحات ارضی بارها در مقابل ملاکان و فشار آنها عقب نشینیهای بسود آنها انجام گرفته است و بارها جنبش دهقانی بسود ملاکان با خشونت سرکوب شده است. بااجراء این قانون کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین صاحب زمین نخواهند شد. گرفتن باج از دهقانان بعنوان تسط زمین و دادن آن بملک، باقی گذاشتن ارضی وسیع و مرغوب کماکان در تحت اختیار ملاک باستاند اینک شکل استعمار فئودالی بشکل استعمار سرمایه داری مبدل میگردد و یک سلسله مختصات دیگر این اصلاحات، سلطه ملاکان را در ده ایران از میان نخواهد برد و رهائی دهقانان را تأمین نخواهد کرد و بقدر توده عظیم دهقانان خاتمه نخواهد بخشید. این اصلاحات بمعنی حل رادیکال مسئله ارضی و دهقانی در کشور ما نیست زیرا سمت اساسی آن در جهت تقویت مناسبات استعمار سرمایه داریست که خود مورث یک سلسله تضادهای شدید و مصائب و محرومیت های نو در روستای ایران خواهد گردید. شاه در کنگره دهقانی رسماً در قبال

اصلاحات نیم بند ارضی و اعلام لفظی الغاء رژیم ارباب و رعیتی، از دهقانان پشتیبانی از سلطنت مستبدانه خود را حتی با الزام بسوکنند طلبیده است و بدین ترتیب آشکارا نشان داده است که هدف واقعی او بر خلاف دعاوی خود وی بااصطلاح الغاء رژیم ارباب - رعیتی و آزادی دهقانان نیست بلکه حفظ و تحکیم سلطنت مستبدانه است. این اصلاحات باتوجه بتحولات عظیمی که در جهان می گذرد نسبت به امکاناتی که در شرایط کنونی برای ترقی و سعادت مردم ایران و دهقانان کشور وجود دارد، اصلاحات کم مایه ای است و جنبه ترمز کننده دارد. باید بین محتوی اصلاحات ارضی که با همه نقائص آن بهر جهت و بشکل نسبی مثبت است تفاوت گذاشت و از دو اشتباه بر حذر بود: هم از این اشتباه که با توجه به محتوی عینی از درک هدفهای واقعی اجتماعی و سیاسی اصلاح ارضی غافل

بمانیم و هم از این اشتباه که با تکیه بر روی انگیزه ذهنی اصلاح کنندگان محتوی عینا را نبینیم و بدستی ارزیابی نکنیم و سیاست نفی مطلق این اصلاحات را در پیش گیریم.

۸ - یکی دیگر از دسواهی اصلاحی رژیم دارن حق رأی بزنان است. دربار پهلوی خود را منجی زنان ایران میداند. واقعیت اینست که اگر بظاهر حقی در انتخابات برای زنان ایران قائل شده اند، چیزی که ما آنرا در هر حال کامی به پیش میدانیم این امر نتیجه مبارزه نیم قرنی عناصر ترقیخواه ایرانی از زن و مرد، نتیجه شرایط امروزی جهان است. در بسیاری از کشورهای اسلامی آسیائی و آفریقائی زنان بحقوق جدی دست یافته اند. دادن حق رأی بزنان در عمل دارای محتوی جدی نیست: بدین دلیل ساده که اصولاً آزادی انتخابات در ایران وجود ندارد. بعلاوه دادن حق رأی بزنان بمعنی حل نهائی مسئله زنان در ایران نیست. زنان ایران از حقوق مدنی و اجتماعی متعددی محرومند: مانند حق طلاق، حق نگهداشت فرزندان، حق ارث و مرد و ذرد و شغل مساوی با مردان، حق تساوی با مردان در شهادت و مسافرت و غیره. زنان ایران از رسم ناپسند تعدد زوجات رنج میبرند. بعلاوه زنان ایران در محرومیتهای اجتماعی همه مردم ایران شریکند. هنوز زنان ایران باید راه دراز و دشواری را طی کنند تا به افراد تام الحقوق یک اجتماع آزاد مبدل شوند.

۹ - رژیم کودتا مدعی است برای بهبود وضع کارگران گام برداشته و در اطراف قانون سهیم کردن کارگران در سود کارخانه جنجال راه میندازد. موافق

این قانون مؤسسات نفت و برخی کارخانه های دولتی مستثنی هستند. این قانون تقلیدی است از قوانین نظیر در کشورهای امپریالیستی که هدف آن مستور ساختن استعمار سرمایه داری، ذبیف کردن کارگران در بسط تولید سرمایه داری، جلب کارگران به همکاری یا طبقات بهره کش، ایجاد نفاق بین کارگران و تخدیر آگاهی آنانست. تازه در عمل بعات آنکه اغلب کارگاهها و کارخانه های مشمول قسانون بر اثر بحران اقتصادی تراز نامه منفی دارند، نتیجه ای عاید کارگران نخواهد شد. کارگرانی که از نتایج آن

قانون بهره ناپذیری بدست می آورند در مجموع کارگران ایران تعداد کمی هستند. رژیم کودتا یک رژیم دشمن کارگران است ولی با ادعای آنکه گویا کارگران را در هیئت نظار انتخابات و در مجلس شرکت داده است و برای آنها سندیکا های کارگری بوجود آورده است میخاهد خود را دوست کارگران معرفی کند. سندیکا های کارگری ساخت وزارت کار حلقه ای از سیاست جمعیت سازی شاه برای کنترل جنبش کارگری و استفاده از آراء آنانست. عیار رژیم کودتا برای کارگران

جز اختیاق، گرانی، تقلیل مزد، بیکاری، تعقیب سیاسی و انواع محرومیت های دیگر چیزی بامعنا نیست. نیابوده است و آنها را مانند دیگر قشرهای زحمتکش جامعه نه فقط از شرکت در فعالیت سیاسی بلکه از حق آزادی سندیکائی نیز محروم ساخته است.

۱۰ - رژیم کودتا مدعی اصلاح دستگاه دولتی است. پس از ملتها و عده «انقلاب اداری» قانونی مجلس تسلیم شد که مورد شدید ترین انتقادات از جانب افکار عمومی بویژه از جانب کارمندان قرار گرفت. دولت میکوشد این قانون را از تصویب کمیسیون مختلطی از مجامین بگذراند و بمرحله عمل در آورد. دستگاه عریض و طویل اداری که بخش معناتهای از بودجه را میبامد نه تنها مردم بلکه اعشاء کوچک و متوسط خود را نیز بشدت تحت فشار قرار میدهد. سطح فعالیت سوزمند و تورم بخشی این دستگاه بسیار نازل است. رژیم کودتا احساس میکند که فساد دستگاه دولتی حتی سلی در راه اجرای مقاصد خود اوست ولی درک نمیکند که رشود خواری، تبعیض، بوروکراسی، مردم آزاری، بخت و مهمل بودن دستگاه

دولتی دارای ریشه های عمیق در نظام اجتماعی و در سیاست دولتی است. تنها یک انقلاب اجتماعی قادر است باشکالند دستگاه موجود و ایجاد یک دستگاه خلقی، غیوب مزمن آنرا چاره کند و در عین حال زندگی اکثریت مطلق کارمندان را که ازوضع کنونی رنج میبرند بهبود بخشد.

۱۱ - شاه میکوشد بادادن امتیازات بافسران آنها را به زمره ممتازی بسوزد خود و علیه مردم و جنبش رهائی بخش مبدل کند. سازمان ارتش کنونی ایران تحت کنترل مستشاران امریکائی است. قرار داد های وهن آور متعددی مانند قرار داد های جم - آن وساعد در نفوس و قرار داد اعطاء مصنوعیت سیاسی بمستشاران امریکائی، ارتش ما را علیرغم میل واراده اکثریت قریب به تمام افسران و درجه داران و سربازان، بارش دست نشانده مبدل ساخته است. رژیم کودتا بآنها در جهت تبدیل ارتش بیک ارتش ملی و دموکراتیک گام برنمیدارد بلکه جهت ضد ملی و ضد دموکراتیک آنرا تشدید میکند و عناصر شریف و موهن پرست ارتش را گاه از طریق حبس و اعدام، گاه از طریق عزل و اخراج از صحنه بیرون میراند. سیستم پلیسی در درون ارتش بسط میدهد و می کوشد تا ارتش را به گارد حفاظت سلطنت مستبدانه شاه بدل سازد.

رژیم کودتا بازراه انداختن یک سلسله محاکمات در ارتش میخاهد چنین جلوه گر سازد که گویا ارتش را از عوامل فاسد صرف نظر از مقامات آنها تصفیه میکند. این محاکمات که در آن ذره ای ارتشیدها و سپهبدها و سرلشگرها، این نزدیکترین چاکران نظامی شاه برملا میگردد در درجه اول برهائی علیه خود رژیم است. مردم می بینند که دستگاه میلیتاریستی ایران تحت کنترل چند کسانی است.

۱۲ - رژیم کودتا مدعی اصلاحات فرهنگی و بهداشتی است و در اطراف «سپاه دانش» و «سپاه ترویج و آبادانی» و «سپاه بهداشت» و «غیرو سرو جدائی زیادی برام میندازد. فداکاری افراد «سپاه هائی که از طرف دولت تشکیل شده واز انجمله سپاه دانش برهقدر درخورد تقدیر باشد، نمیتواند مسائل حاد فرهنگی و بهداشتی ما را چاره کند. پیشهاد شاه درباره مبارزه

با بیسوادی به یونسکو با توجه بواقعیات ایران جنبه عوامفریبی دارد. ایران دچار بحران مدرسه، معلم و کتاب تحصیلی است. مخارج تحصیل در تمام مراحل آن برای خانواده های ایرانی کمرشکن است. اقدامات بی بند و بار رژیم نه تنها بیسوادی بیش از ۸۰ در صد جامعه را چاره نمیکند بلکه برمشکلات موجود فرهنگی میافزاید. در حالیکه بخش هنگفتی از بودجه کشور بشکل مستقیم، آشکارا بنهانه صرف مخارج نظامی میشود، بودجه فرهنگ و بهداشت کشور نا چیز است و رژیم فاقد یک نقشه صحیح تعلیمی و تربیتی است و تجارب متعددی ناتوانی مطلق او را در داشتن چنین نقشه ای و اجراء آن ثابت کرده است.

۱۳ - یکی از پدیده های تازه در عرصه سیاست خارجی رژیم بهبود روابط با کشورها و سوسیالیستی است. بهبود روابط با اتحاد شوروی که نمره مناسبت دولت شوروی و نتیجه وفاداری این دولت باصل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم های مختلف اقتصادی و اجتماعی است است برای استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما مفید است و لذا تیورهای مترقی آنرا تهنیت میگویند. این بهبود روابط خواست مؤکد مردم ایرانست. شاه میخاهد از این بهبود روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بسود رژیم خود استفاده کند. از آنجا که این بهبود روابط بمردم ایران و جنبش استقلال طلبی وی کمک خواهد کرد بناچار و سرانجام برای مقاصد ضد دموکراتیک و ضدمملی مفید نخواهد بود. استدلال مخالفان این بهبود مناسبات که آنرا بضع تحکیم رژیم کودتا میسرمدند و با نتیجه «سازش» اتحاد شوروی با امپریالیستهای امریکا و انگلیس میدانند از پایه نادرست است. اتحاد شوروی در تمام حیات خود خواستار بهبود و بسط روابط با ایران بوده و مردم ایران همیشه این امر را با دیده تأیید نگرشته اند. تدریجی نیست که بهبود مناسبات ایران و شوروی و ایران و دیگر کشورهای سوسیالیستی در تضعیف مواضع امپریالیسم در کشور ما مؤثر است و این نیز بنوبه خود بسود استقلال سیاسی و اقتصادی ماست.

۱۴ - یکی دیگر از پدیده های تازه در عرصه سیاست خارجی رژیم انعقاد پیمان همکاری در زمینه اقتصادی و فرهنگی و فنی بین سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان است که در ۱۳ تیر ماه ۱۴۴۳ تحت عنوان «پیمان عمران منطقه ای» در آنکارا امضاء شده است. بنابعدوی سخنگویان رسمی دولتهای سگانه ظاهراً این پیمان برای آنست که این سه دولت برای خود وزن بیشتری در عرصه سیاست جهانی ایجاد کنند و موفق بگرفتن امتیازات بیشتری از حاکمان امپریالیستی شوند. بهر صورت این پیمان نتیجه تحولاتی است که در صحنه بین المللی از جهت تغییر تناسب قوا روی میدهد و حاکی از بحران پیمان ستو و نمودار آنست که ایران، ترکیه و پاکستان میخاهد با ایجاد پیمانی که در آن ظاهراً امپریالیستهای امریکاونگلیس شرکت ندارند و با زدن رنگ اسلامی به پیمان خود جنبه عوامفریبانه بان بدهند و نیز نمودار آنست که دولت ایران در شرایط امروزی جهان بی میل نیست همراه متحدین سترونی خود امکان مانور بیشتری بدست آورد.

در عین حال این اقدام دولت ایران با تشدید و خامت روابط با جمهوری متحده عرب و جنبش مترقی و ملی اعراب همراه است و علیه آن متوجه است. سیاست خارجی کشور ما کماکان از امپریالیستهای امریکا و انگلیس در متشی خود الهام میگردد و سیاست خارجی یک کشور وابسته است و برخی تحولات هنوز نتوانسته است تغییری در ماهیت آن بدهد، با آنکه تغییر مستمر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم و دموکراسی توأم با پیشرفت سیاست صلح و همزیستی در مقیاس بین المللی و همچنین کامیابیهای بزرگ جنبش نجات بخش ملی در کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین از یک طرف و تشدید تضاد های مختلف بین کشورهای امپریالیستی از طرف دیگر ضعف روز افزون امپریالیسم را آشکار ساخته، رژیم نخواستار است از این شرایط بسود اتخاذ یک سیاست مستقل ولو در کادر محدود استفاده کند.

۱۵ - اسلوب دیگری که رژیم بیش از پیش در سالهای اخیر بدان متوسل شده است اسلوب ایجاد احزاب، سندیکاها، شرکتهای تعاونی دهقانان، جمعیت های زنان و جوانان، کلوبها و کانونها، کنگرهها و فرسارندم و میتینگ بسود مقاصد رژیم یعنی اسلوب «جمعیت بازی» است. روشن است که صرف نظر از

بقيه در صفحه ۳

اینکه رژیم طوق چه مقاصد بدین شیوه دست زده است، این وضع بطور عینی منجر بود قشر عالی مختلف شهر و ده بعرضه زندگی سیاسی میگردد و نمودار آنست که با اسلوبهای محدود استبدادی اداره کشور روز بروز دشوارتر میشود. ولی در پس این نهادهای دروغین «دوکراسی» تنها سر نیزه و شلاق سازمان امنیت حکمرواست. در کمتر کشوری از جهان مانند ایران حقوق دو کراتیک مردم و موازین قانونی با چنین بی پروائی پایمال میگردد.

۱۶ - یکی از اقدامات زیانمند و خائنانه رژیم که سعی دارد آنرا پشیمان خدمتی باقتصاد و عمران کشور جلوه دهد عبارتست از سیاست جلب سرمایه های خارجی. رژیم کودتا برای جلب و حمایت از سرمایه های خارجی قوانینی وضع کرده است که حتی بنا بر تصدیق محافل رسمی، با مقایسه با قوانین سایر ملل دارای مزایای زیادی برای سرمایه خارجی است. سرمایه گذاری خارجی در ایران یکی از وسایل عمده در دست امپریالیستها برای حفظ ایران در وابستگی سیاسی و اقتصادی است. ما بر اینیم که سرمایه گذاری خارجی بشکلی و در شرایطی که امروز در کشور ما انجام میگیرد برای رشد سالم و سریع اقتصادی کشور ما مضر است و بجای اینکه پایه مادی استقلال اقتصادی ما را بنیاد گذارد، وابستگی ایران را با امپریالیسم تشدید میکند، بجای آنکه ثروت ملی و دسترنج مردم را افزایش دهد و موجب رفاه عمومی گردد زمینه را برای تشدید غارت این ثروت ملی فراهم میسازد. یکی از صفات اولیه یک سیاست اقتصادی ملی عبارت است از قطع تسلط اسارتگر سرمایه خارجی در ایران.

۱۷ - رژیم کودتا سیاست خود در زمینه نفت که از مظاهر عمده خیانت او بمصالح و منافع ملی است می یابد و این سیاست را منبع تأمین عمران و شکستگی کشور جلوه میدهد! این رژیم که خود محصول توطئه انحصارات نفتی است هدفی جز صیانت تسلط امپریالیست ها بر منابع ملی شده نفت و ادامه وابستگی آنها ندارد. رژیم کودتا منبع سرشار نفتی میهن ما را به حراج گذاشته و هر روز بخشی از آنرا در اختیار انحصارات نفتی میگذارد. اگر زمانی فقط انحصارات نفتی انگلیس بر منابع نفت ما تسلط داشتند اکنون به برکت سیاست ضد ملی رژیم انحصارات نفتی امریکائی، فرانسوی، ایتالیائی، هلندی و آلمانی نیز بفارتگران قدیمی افزوده شده اند و بشکل جمعی ما جداگانه امتیاز بهره برداری از قسمتی از منابع نفت ایران را بدست آورده اند و با توجه بقانون مزایه تمام منابع نفتی در ایران (که بدو ازمده منطقی تقسیم شده) این حراج همجنان ادامه دارد. آخرین عمل رژیم عبارت است از واگذاری منطقه شماره یک خلیج فارس به پنج گروه جدید نفتی. سیاست نفتی رژیم کودتا در اساس خود معطوف با سیاست وی در مورد جلب سرمایه خارجی است یعنی: ذینفع کردن هر چه بیشتر امپریالیستها در ایران و بدست آوردن پول بیشتر برای جبران کسری بودجه مزمن و مخارج روز افزون نظامی و اداری. چون بهره برداری از نفت ایران درآمد سرشاری را بدنبال دارد، هم امپریالیستها به سرمایه گذاری در نفت ایران علاقه به مراتب بیشتری (در مقایسه با سرمایه گذاری در رشته های دیگر) نشان میدهند و هم رژیم کودتا حرارت و پیگیری خاصی در این زمینه دارد. فعالیت تب الود و رقابت شدید انحصارات نفتی برای تسلط بر منابع جدید نفت ایران و کوشش رژیم کودتا برای بدست آوردن درآمد بیشتر از کانسرسیوم بین - المللی نفت و بستن قرارداد های تازه ای در مورد بهره برداری از منابع جدید نفت، انعکاسی از این واقعیت است. رژیم کودتا بدون آنکه بخواند و بتواند اغوارت منابع نفتی ما توسط انحصارات نفتی جلوگیری کند، تلاش میکند با استفاده از تناسب جدید قوا در صحنه بین المللی و همچنین رقابت بین امپریالیستها و انحصارات نفتی تا آنجا که زورش باربایان میرسد و در کادر حفظ تبعیت از آنها، پول بیشتری بدست آورد. سیاست نفتی ایران در داخل او یک نیز فقط در همین جهت سیر میکند. او یک خود از نیروهای گوناگون با منافع مختلف تشکیل شده و در شرایط کنونی جهان اگر سیاست قانع ضد امپریالیستی حزبش بگیرد میتواند به قدرتی در برابر انحصارات نفتی تبدیل گردد. اکنون ایران در داخل او یک جناح ارتجاعی

و سازشکار آنرا تشکیل میدهد و بدینسان نه فقط به منافع خود بلکه به منافع کلیه شرکت کنندگان او یک زبان میزند. ولی این سیاست که از یکطرف موجب غارت روز افزون و بی بند و بار منابع نفت ما و توسعه و تشدید تسلط امپریالیستها در ایران است و از طرف دیگر نتیجه اش تشدید باز هم بیشتر وابستگی اقتصادی ما به امپریالیسم، جلوگیری از تکامل سالم و مستقل اقتصاد ملی و تحکیم یک رژیم ضد ملی در میهن ما است، آشکارا و عمیقاً با مصالح مردم میهن ما مابینت دارد. تسلط امپریالیستها بر منابع نفت ما استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را پایمال کرده و ثروت طبیعی و نتیجه دسترنج مردم میهن ما را بر باد داده است. بخش اعظم درآمد نفتی حتی بنا بر تصدیق برخی از محافل وابسته به رژیم، از راه بازگشایی خارجی و سازمان برنامه دوباره به امپریالیستها بازگشته، یا صرف مخارج نظامی و دستگاه اداری وابسته بخود امپریالیستها شده و یا بجیب غارتگران داخلی و فرانس آنها شاه رفته است. سیاست نفتی رژیم کودتا یکی از برجسته ترین مظاهر ضد ملی بودن است. مردم میهن ما که طی پنجاه سال مبارزه دایرانه سرانجام نفت ایران را ملی کردند و در کار استفاده از این بزرگترین ثروت ملی در راه تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و نیز تکامل سالم و سریع اقتصاد ملی بودند، این خیانت عظیم رژیم کودتا را هرگز فراموش نمیکنند. مردم میهن ما در شرایط کنونی جهانی کاملاً امکان دارند از این ثروت سرشار که تا اکنون فقط اسارت و بدبختی برای آنان بیار آورده است در راه شکستگی و سعادت ایران بهره برداری کنند. شرط اساسی نیل باین هدف داشتن استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی است.

۱۸ - علیرغم این تظاهرات، دعوی و اقدامات، آنچه که برای رژیم کنونی ایران همیشه و در هر حال نوزنه وار است و محتوی عمده رژیم را تشکیل میدهد عبارتست از ادامه سیاست تبعیت از امپریالیسم و قرار دادن همه شئون کشور در اختیار آنان، سرکوب جنبش رهایی بخش و ایجاد رژیم ترور و اختناق در داخل کشور. اقدامات اصلاحی نوعی آرایش برای یک رژیم ماهیتاً ارتجاعی است. این اقدامات بعلت ناپیگیری ناقص و نیم بند بودن آنها، بعلت آنکه در محیط فقدان استقلال سیاسی و اقتصادی کشور انجام میگیرد، بعلت آنکه تابع یک نقشه جامع رشد نیست، بعلت آنکه از حمایت عمومی برخوردار نمیشد، بعلت آنکه یک دستگاه فاسد دولتی باید آنها را عملی کند و علل نظیر قادر نیست درد اصلی جامعه ما یعنی عقب ماندگی دیرینه تاریخی آنرا درمان کند. فاصله ایران با کشور های پیشرفته نه اینکه کمتر نمیشود بلکه بیشتر میشود. با این حرکت کج و معوج، کند و بیخردانه ما هرگز قادر نخواهیم بود شکاف گذشته را پر کنیم و مانع پیدایش شکاف تازه شویم.

تقلای رژیم برای تثبیت وضع ایران بسود امپریالیسم و ارتجاع است ولی واقعیت حاکی از آنست که رژیم و سرمدار عمده آن شاه علیرغم تبلیغات وسیع و عوامفریبانه در باره «انقلاب سفید» و انواع صحنه سازها نتوانسته اند افکار عمومی را بفریبند. حزب ما در جریان فرآیند دولتی برای قوانین شکنانه (که در میان آنها قانون کاملاً ارتجاعی فروش کارخانه های دولتی نیز وجود داشت) روش تحریم در پیش گرفت تا مانع پیدایش هرگونه پندار باطلی در باره عوامفریبی های رژیم شود و هیچگونه کسانی در جهت تحکیم رژیم استبدادی شاه برنماید. گذشت زمان صحت این روش حزب ما را روشن ساخت. وضع بد اقتصادی، فقر عمومی از طرفی و بیداری بیش از پیش مردم از طرف دیگر شکافی بین دولت و ملت بوجود آورده است این مطلبی است که یکی از مسئولین او مشغولان و حامیان رژیم پنهان نمیشوند. این وضع امکان نیل به تحولات مثبتی را در شرایط بحرانیهای حاد رژیم میسر میسازد. ولی تجربه نشان داده است که علیرغم عوامل عینی در صورتیکه عامل ذهنی یعنی سازمانهای انقلابی و اپوزیسیون باندازه کافی متشکل و آماده نباشد، نتوانند از فرصت استفاده کنند، رژیم خواهد توانست بحیثیت خویش ادامه دهد.

۱۹ - وضع اپوزیسیون و مسئله جبهه واحد - در آغاز استقرار رژیم کودتا، در نتیجه

شکست جنبش ملی، با یک مرحله فرو نشست نهضت روبرو بودیم ولی بتدریج و با پیدایش بحرانیهای مختلف رژیم در دوران انقلاب، شریف امامی، امینی علم و منصور و در اثر فعالیت تفریق، تهییجی و سازمانی احزاب و گروههای اپوزیسیون، مقاومت مردم در قبال رژیم بسط مییابد و اعتصابات و تظاهرات و مقاومت های جمعی کارگران، دهقانان، دانشجویان، کارمندان، بازاریان، پیشه‌وران، روحانیون و غیره در سراسر کشور و در شهر و ده آغاز میگردد.

۱۸ - یکی از حوادث مهم سالهای اخیر از جهت تظاهرات مردم، حوادث پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ در تهران، تبریز، شیراز، قم و نقاط دیگر بود. تظاهرات خرداد بواسطه برخی از روحانیون با استفاده از مراسم و اجتماعات مذهبی ایجاد شد ولی این تظاهرات در چارچوب خواست و مقاصد سازمان دهندگان خود محدود نماند و پس از شروع با سرعت بنمایش وسیع مردم علیه شاه بدل گردید. مردم بی سلاح در این تظاهرات جانبازی فراوانی بخرج دادند. رژیم این تظاهرات مردم غیر مسلح را با خشونت بی نظیر در خون غرق کرد. تظاهرات ۱۵ خرداد با آنکه نمودار شهامت و از خود گذشتگی مردم است بعلت فقدان تشکل و رهبری صحیح بجائی نرسید.

۱۹ - اکنون رژیم کودتا با اپوزیسیون وسیعی روبروست که قشر های مختلف اجتماعی و سازمانهای گوناگون سیاسی را در بر میگیرد. این اپوزیسیون همگونی نیست. در این اپوزیسیون وسیع حزب توده ایران، جبهه ملی و دیگر سازمانهای مترقی را باید نمایندگان مخالفت خلق علیه رژیم دانست. این یک اپوزیسیون دموکراتیک و ملی است و از جهت چپ با رژیم مبارزه میکند ولی در میان طبقات حاکمه نیز بعلم مختلف و از جمله در اثر برخی اصلاحات رژیم عده ای با آن مخالف هستند و از جهت راست با آن مبارزه میکنند.

حزب ما خواستار وحدت عمل با سازمانهای ملی و دموکراتیک است و در عین افشاء انگیزه های جنامهای مختلف طبقات حاکمه که بنا بر مصلحت سیاسی خود از برخی شعار های مثبت جانبداری میکنند و در برخی اقدامات و تظاهرات ضد رژیم شرکت میورزند، با کمال دقت میکوشند از کلیه تضاد های طبقات ارتجاعی و هیئت حاکمه و حامیان امپریالیستی وی برای مقاصد نهضت مردم، برای برچیدن بساط رژیم کودتا در موارد مشخصی استفاده نماید.

۲۰ - از آنجا که بخشی از روحانیون در سالهای اخیر بر میزان فعالیت خود علیه رژیم استبدادی شاه افزوده اند درک علل و ماهیت اجتماعی این جریان برای داشتن برخورد صحیح باین روحانیون ضرور است. قشر روحانیون علی الاصول قشری همگون نیست ولی بخش عمده این قشر با طبقات متوسط سروکار دارند و تا حدودی حالات روحی و تمایلات آنها را منعکس میکنند. مطالعه تاریخ قرن اخیر ایران نشان میدهد در روحانیت کشور ما مبارزه برضد استبداد شاه سوابق و سن طولانی دارد. روحانیونی که اکنون بر ضد رژیم عمل میکنند بویژه پس از تصویب قانون معصویت مستشاران امریکائی در مجلس آشکارا شعار های ضد امپریالیستی را بمیان کشیده اند و از استقلال و آزادی دفاع میکنند. تردیدی نیست که این روش، این عده از روحانیون را در جهت پیکار عادلانه خلق قرار میدهد. بهمین جهت حزب ما از این مبارزه صحیح دفاع کرده و مرتباً از طریق تبلیغات کتبی و شفاهی خود بروحانیون متذکر شده است که اگر بخواهند در میان مردم کسب حرمت و اعتبار کنند باید بر سر آنها، راه مبارزه علیه استعمار و استبداد بروند. از طرف آیت اله خمینی که دولت او را بعلت مبارزاتش، برخلاف موازین قانونی نفی بلد کرده است، حزب ما مواظبت نیرو های ضد رژیم داده شده است. از ما مواظبت خود را باین شعار (که پیوسته مطالبه خود او بوده است) اعلام کرده و نیزوهای ملی و دموکراتیک را بهمکاری برای مبارزه در راه باز گرداندن آیت اله خمینی بکشور دعوت نموده است.

۲۱ - یکی از سازمانهای مؤثر اپوزیسیون ملی و دموکراتیک جبهه ملی است. جبهه ملی در ایران و خارج از ایران (اروپا و امریکا) سازمانهایی دارد. در ایران پس از کنگره اول جبهه ملی بعلت وجود اختلاف نظر هایی در باره نحوه اتحاد سازمانهای وارد در جبهه ملی، علیرغم مداخله آقای دکتر مصدق

این سازمانها رو بتجلیل رفت و هیئت اجرائی جبهه های نفوذ خود را از دست داد و آقای الهیار صالح که بر رأس هیئت اجرائی بود کنگره گیری خود را اعلام داشت. سازمانهای جبهه ملی در ایران یک دوران بحران عمیق را میگذرانند. در اروپا و امریکا نیز در سازمان های جبهه ملی انواع خط مشی ها دیده میشود. منظم ترین موضع گیریها در مسائل مختلف جهانی و ایران از طرف دو کنگره سازمانهای جبهه ملی در اروپا شده است. جبهه ملی یک سازمان همگون نیست ولی همه آنها خود را پیروان راه مصدق، مینامند، گرچه در تعبیر و تفسیر این راه ما بین افراد جبهه توافق نظر وجود ندارد. در جبهه ملی طیف وسیعی از انواع مشی ها از لیبرالیسم محافظه کارانه تا دموکراتیزم انقلابی دیده میشود. زیرا اعضاء این جبهه برخاستگان طبقات مختلف مانند بورژوازی ملی و خورده بورژوازی شهرها و روشنفکران وابسته باین طبقاتند.

پیدا داییکه در مورد جبهه ملی در مجموع و بویژه در مورد سازمانهای اروپائی آن جالب نظر است عبارتست از گرایش به چپ. اکنون جبهه ملی با رادیکالیسم بیشتر علیه رژیم کودتا و برضد امپریالیسم و از آنجمله امپریالیسم امریکا اظهار نظر میکند و برخی شعار های اجتماعی و سیاسی مترقی را در برنامه خود جای داده است. این تغییرات نتیجه تأثیر وضع بین المللی بویژه مبارزه خلفهای کشور های کمزرد، نتیجه تأثیر افکار عمومی مردم ایران، نتیجه تأثیر مستقیم مبارزات و تبلیغات حزب ماست. ولی علیرغم این تغییرات مثبت، جبهه ملی مشی تفرقه جوینانه خود را نسبت بحزب توده ایران ادامه میدهد. حزب ما بشهادت اسناد و واقعیات متعدد بارها پیشنهاد وحدت طلبانه خود را برهبری جبهه ملی تکرار کرده است و حتی در موارد مشخصی (مانند ساق از زندانیان سیاسی، مبارزه برای بازگشت آیت اله خمینی، باین جبهه پیشنهاد هایی داده است که بلا جواب ماند.

۲۲ - شعار هیئت اجرائی جبهه ملی در اروپا پس از کنگره اخیر، مانند سابق دعوت به انجذاب و مستحیل شدن آنها در سازمان چارچوب بنام «جبهه ملی» باقی مانده است. این سازمان گویا باید مظهر انبوه بهره دهان، کشور ما باشد. آنکه آقای دکتر مصدق با این شعار موافقت نکرده است و جبهه را بمشابه یک سلسله سازمانهای مستقل با تشکیلات و برنامه های مختلف تعریف نموده، سازمان جبهه ملی در اروپا که کاز نظر اولیه خود را تعقیب میکند.

حزب ما نادرستی این نظر و پایه تئوریک آنرا که حاکی از این دعوت است که گویا در کشورهایی نظیر کشور ما مرزبندی بین توده وسیع بهره دهان جایز نیست بارها بیان داشته است. بنظر حزب ما طبقات در جامعه ما بان درجه از رشد مادی و معنوی رسیده اند که وجود سازمانهای جداگانه که معرف منافع طبقاتی ویژه آنهاست توجیه گردد. ما بر اینیم که جبهه احزاب باید مجموع سازمانهای مستقلی باشد که در زیر پرچم برنامه واحد گرد آیند. بنظر ما تفرقه سازمانهای دموکراتیک و ملی که تا امروز ادامه دارد گناه حزب ما نیست بلکه گناه کسانی است که علیرغم قبول لفظی ضرورت این وحدت، در عمل گامی برای تحقق آن بر نمیآوردند ولی واقعیات حاکی از آنست که تداوم وحدت طبقه حزب ما بیش از پیش در صفوف جبهه ملی در ایران و خارج از کشور انعکاس مییابد.

۲۳ - مسئله جبهه واحد در نظر حزب ما با وحدت حزب توده ایران و جبهه ملی، با وحدت توده ای و جبهه های خاتمه نمیشد. محتوی اساسی جبهه واحد عبارتست از وحدت کلیه طبقات و قشر های ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق و استخوان بندی اساسی آن عبارتست از اتحاد کارگران، دهقانان. بهمین جهت فعالیت در بین کارگران و دهقانان، استفاده از سازمان های علمی سندیکائی و کورپوراتیوی شهر و ده، کوشش برای جلب هرچه بیشتر کارگران و دهقانان برعصه مبارزه علیه رژیم، شرط اساسی تحقق و پیدایش جبهه واحد ملی ضد استعماری و ضد استبدادی است و حزب باید نقضن اساسی کار خود را در میان دهقانان که بیش از پیش بعنوان عنصر فعال و مؤثر وارد عرصه مبارزات سیاسی میشوند رفع کند و در زمینه های تبلیغاتی و تشکیلاتی شکل لازم را برای استقرار بقیه در صفحه ۴

مردم

کارگری و کشاورزی

بقیه از صفحه ۱

قطعه‌نامه مصوب پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی کارگران و کمونیستی جهانی

این روش ناشی از این اصل است که در اختلاف اصولی مهمی که در جنبش جهانی کمونیستی در گرفته است ' داشتن موضع بیطرف درست نیست و باید در عین مراعات اصل انترناسیونالیسم پروتاری ' در عین مراعات ضرورت همبستگی احزاب برادر و اسلوب صحیح حل اختلاف بین احزاب ' از مواضع و اصول درست در قبال مواضع و اصول نادرست دفاع کرد ؛ این وظیفه اصولی حزب ما بوده و خواهد بود .

۴ - مسائلی که رفقای رهبری حزب کمونیستی چین و دیگر هواداران مشی این رهبری در باره آن نظریاتی نادرست ابراز میدارند و اکثرآ به استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری مربوط است متنوع است و از انقبیل است مسئله خصلت دوران ما ' تضاد اساسی عصر ما ' مسئله جنگ و صلح ' مسئله همزیستی مسالمت آمیز ' مسئله اشکال گذار پیمان سوسیالیسم ' مسئله کیش شخصیت و ارزیابی شخصیت استالین و غیره . از آنجا که بحث تفصیلی در باره این مسائل ' ذکر احکام و استدلالات متقابل در این قطعه‌نامه ممکن نیست ' پلنوم تصمیم میگیرد که مواضع وی در این مسائل همان مواضعی است که در گزارش یوزوی موقت کمیته مرکزی مورد دفاع قرار گرفته است .

۵ - پلنوم تصریح میکند که در بیدایش و تشکل و بسط مشی خلاق و اصولی که اکنون مورد دفاع اکثریت احزاب برادر است ' حزب کمونیستی

است . برای آنکه جامعه ایران عقب ماندگی دربرین مادی و معنوی خود را جبران کند و خود را بسط ملل راقیه برساند ' باید با سرعت زیاد در کلیه شئون تکامل یابد و برای این منظور باید انرژی عظیم مردم شهر و ده مجهز و متشکل شود و بر اساس شور و شوق آنها ' ابتکار آنها ' مصالح آنها ' در مجرای صحیح و لازم بکار آید . شرط ضروری ایجاد چنین وضعی ایجاد نظام اجتماعی ضروری یعنی یک نظام ملی و دموکراتیک است . رژیم کودتا حتی در صورتیکه سیاست رفورمیستی کنونی خود را تعقیب کند ' بعلمت خصلت ضد ملی و ضددموکراتیک خود ' تکیه خود به امپریالیزم و طبقات ممتاز ' دوری خود از مردم دشمنی خود با اندیشه های مترقی ' اصرار خود در حفظ مناسبات پوسیده و سازمانهای منسوخ ' قانربنمایین آهنگ رشد لازم ' محملهای لازم اجتماعی و اقتصادی تکامل سریع و همه جانبه جامعه ما نیست . این رژیم ترمز رشد ماست . ما با این رژیم بره دوری نخواهیم رفت و پیوسته در زمره کشورهای عقب مانده جهان خواهیم بود .

۲۷ - حکومت ملی و دموکراتیک ایران باید در سیاست راه بیطرفی ' دوستی با کلیه خلفا و بویژه کشورهای سوسیالیستی و بیطرف را در پیش گیرد و از پیمان سنوو خارج گردد و قرار داد ها و تعهدات اسارت آمیز خود را نسبت بامپریالیستها بویژه امپریالیسم امریکا ملغی سازد . مستشاران خارجی را از ایران بیرون کند .

حکومت ملی و دموکراتیک ایران باید سیاست ملی و سالم اقتصادی بر پایه علمی در پیش گیرد و موضع وخیم کنونی که بویژه ناشی از وابستگی اقتصاد ما به امپریالیزم و تسلط سرمایه داران کومپرادز مالکین بزرگ بر حیات اقتصادی ماست خاتمه دهنده و مانع عظیم ثروت نفتی ما را از غارتگری انحصارهای امپریالیستی نجات بخشد . راه رشد اقتصادی ما بایدراه غیر سرمایه داری باشد نه راه سرمایه داری .

حکومت ملی و دموکراتیک ایران باید راه صنعتی کردن ایران را بقصد ایجاد پایه مادی و فنی یک حکومت نیرومند و مستقل از یک زندگی مرفه و مترقی در پیش گیرد . اصلاحات ارضی را بر اساس تقسیم بلاعوض کلیه اراضی سلطنتی ' موقوفه ' خالصه مالکی بین دهقانان بی زمین و کم زمین ' تقویت شرکتیهای تعاونی و بسط اسالیب معاصر کشاورزی در ایران تحقق بخشد .

حکومت ملی و دموکراتیک ایران باید موازین نقض شده قانون اساسی را احیاء کند ' از ادبهای دموکراتیک را در ایران برقرار نماید ' احکام جابرانه

اتحاد شوروی ' کنگره های ۲۰ و ۲۲ این حزب و رهبری آن نقش برجسته ای را ایفاء کرده است . حزب کمونیست اتحاد شوروی که پیشاهنگ جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است در دفاع از اصول خلاق مارکسیزم - لنینیزم و افشاء نظریات دکماتیک و روزیونیست ' در دفاع از اصل همبستگی و همبوستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ' در دفاع از صلح جهانی و اتحاد مشی واقع بینانه ای برای حفظ و تحکیم آن ' در دفاع از نهضتهای انقلابی و رهایی بخش ' نقش درجه اول را ایفاء کرده و میکند .

همانطور که حزب ما بکرات تصریح کرده است ' حزب کمونیست اتحاد شوروی بمثابة آموزه ترین و آبدیده ترین گردان جنبش کمونیستی بین المللی ' پیشاهنگ مورد قبول جنبش کمونیستی جهانی است . تجارب غنی حزب کمونیست اتحاد شوروی که طی مبارزات متنوع و عظیم در ساختمان سوسیالیزم و کمونیزم و در دفاع از صلح و دوستی خلفا کسب شده ' به حل صحیح مسائل نهضت جهانی کمک اساسی میکند . نمونه حزب کمونیست اتحاد شوروی بتمام احزاب برادر در نبرد مقدس آنها الهام میبخشد و مظهر عملی انترناسیونالیسم پروتاری است .

حزب ما همیشه بحفظ و تحکیم دوستی برادرانه خود با حزب کمونیست اتحاد شوروی اهمیت درجه اول داده است و بسط و استواری باز هم بیشتر این دوستی را در آینده از اهم وظایف خویش می شمارد .

۶ - حزب ما در گذشته برای دفاع از موضع گیری خود در مسائل بین المللی اقدامات و فعالیتها کرده است که با توجه به نیاز وسیعی که بغالیت توضیحی و اقلی در بین رفقای حزبی و مردم ایران وجود دارد ' نمیتوان آنرا کافی دانست . با توجه به

دادگاههای نظامی را ملغی سازد ' عفو عمومی کلیه محکومین سیاسی را اعلام و شرایط بازگشت کلیه زندانیان و مهاجرین سیاسی را بزندگی و فعالیت عادی تأمین نماید ' فعالیت آزادانه احزاب و اتحادیه ها و مطبوعات را را تضمین کند ' ایران را بر اساس عدم تفرکز و بر پایه فعالیت انجمن های محلی ' ایالتی و ولایتی و با تأمین حقوق قلمی ایران اداره کند . حکومت ملی باید برای رفع بیسوادی عمومی ایجاد یک فرهنگ ملی و مترقی ' و تأمین بهداشت عمومی در شهر و ده ' اجرای قوانین بیمه کار ' تأمین تناسب لازم بین هزینه و سطح زندگی ' تأمین کار برای بیکاران از تمام امکانات و مقدرات مساعدقوانی که در مهن ما موجود است ' استفاده کند .

۲۸ - نظر بانیکه با توجه به تغییراتی که در جریان چند سال اخیرخواه در ایران ' خواه در صحنه جهانی روی داده تجدید نظر و تکمیل برنامه حزب ما که پایه فعالیت سیاسی و ایدئولوژیک است ضرور شده است لذا باید طرح جدیدی از برنامه حزب با اجراء کلیه مشورتهای لازم با ارگانها و افراد صلاحیتدار در داخل حزب تهیه گردد و برای تصویب تقدیم پلنوم کمیته مرکزی شود .

۵ - راه تحول در کشور ما

۲۹ - برای نیل باین خواستها ' برای موفقیت در بر انداختن رژیم کودتا و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک از کدام راه باید رفت و چه باید کرد ؟ این سؤال را خود زندگی با تمام نیرو در مقابل حزب ' در مقابل کلیه نیرو های تحول طلب مطرح میکند . تردیدی نیست که اگر موازین دمکراسی در ایران مراعات نمیگردد ' یعنی آزادی فعالیت احزاب و اتحادیه ها و مطبوعات و انتخابات و تظاهرات واقعا تأمین میشد و حکومت قانون جای حکومت مستبده رامیگرفت و دست سازمان امنیت و محاکم نظامی کوتاه میشد ' مردم ایران میکوشیدند تا مسائل حاد و مبرم جامعه خویش را از طریق مبارزات مسالمت آمیز ' از طریق گذار مسالمت آمیز حل کنند ولی در شرایط کنونی که اثری از کوچکترین آزادی نیست و حکومت دیکتاتوری و خورن آشنای با شدت فئودالکراته ای علیه هر نیروی اپوزیسیون عمل میکند و هر روز بوند قشر های تازه بنازوی از اجتماع دست باقدام قضایی میزند و باندک فعالیت علیه مقاصد و شیوه های خود با تعقیب و حبس و تبعید و شکنجه و اعدام و کشتار جمعی و اردو کشی پاسخ میگوید ' امکان حل مسالمت آمیز مسائل حاد اجتماعی را خود رژیم بدست خود از میان برده است . بهمین جهت است که همه سازمان

روشنهائی که مروجین احکام دکماتیک رهبری حزب کمونیست چین ' برای اشاعه نظریات خود بکار میارند ' حزب باید آنچنان شیوه های تبلیغی در پیش گیرد که نتیجه عمل او را مؤثر تر و نافذتر از پیش گرداند . (* این گزارش در مجله دنیا انتشار مییابد .

بقیه از صفحه ۱

قطعه‌نامه پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره گزارش سیاسی

در پلنوم همچنین تذاکر داده شده است که در تحلیل ما از وضع کنونی باید نسبت بمسئله نفت ارزیابی سیاست رژیم در این مسئله و نیز نسبت بمسئله دهقانان و نقش اجتماعی آنان ' در جهت رفع نقائص ترها و وارد کردن نکات تکمیلی توجه لازم مبذول گردد .

پلنوم بررهبری آینده توصیه می کند بهنگام تصحیح ترها کلیه این نکات را در نظر گیرد . (ج) پلنوم توصیه میکند که پس از اجراء اصلاحات ' رهبری آینده ترها را بعنوان سند پلنوم بمنظور بدست دادن تحلیل جامع وضع کنونی کشور منتشر سازد و فعالیت تبلیغاتی حزب را بان توافق دهد .

های ملی و دموکراتیک که در زیر فشار رژیم مستبد شاه فرصت نفس ندارند بیش از پیش باین نتیجه میرسند که بساط رژیم کودتا را باید از راه قهر آمیز برچید ؛ این امر بیش از پیش به نتیجه گیری مشترک سازمان های اپوزیسیون مبدل میگردد .

۳۰ - با آنکه حزب ما باین نتیجه میرسد که در شرایط کنونی از بین دو راه تکامل راه تکامل قهر آمیز انقلاب بر جستگی بیشتری کسب میکند ' بر آنست که در آینده پیدایش امکان دیگر ' یعنی امکان رشد مسالمت آمیز نیز بکلی منقذ نیست .

تجارب تاریخ اخیر کشور ما (مانند امین حکومت مصدق و سقوط حکومت قوام) نشان داده است که در شرایط معین تغییر تناسب قوا ' امکان تحولات مسالمت آمیز نیز وجود دارد . لذا عمل حزب ما باید بر اساس وجود دو امکان و عمده بودن امکان تکامل قهر آمیز انقلاب در شرایط کنونی مبتنی باشد تا دچار یکجانبگی نادرست و بی دور نما نشود .

۳۱ - طبیعت که تشخیص شکل گذار انقلاب بطور کلی و بخودی خود برای اجراء عملی آن کافی نیست . بررسی دقیق شرایط داخلی و خارجی کشور ما ' داشتن تدارک کافی ' انتخاب صحیح لفظه ' انتخاب صحیح شعارهای عمل ' یافتن متناسبترین شکل عمل قهر آمیز مبتنی نکردن عمل تنها به نیروی آوانگارد و غیره و غیره از شرایط حتمی یک اقدام صحیح ' بصیرانه و تباری بچای سود زبان برساند . این وظیفه رهبری است که در درک عمیق مسؤلیت و بنحوی که مصلحت حزب و نهضت را در آن تشخیص میدهد ' تدارک لازم را ببیند و عمل کند .

۳۲ - تصریح برجسته تر بودن راه قهر آمیز انقلاب ' چنانکه برخی میدانند بمعنای نفی فعالیت سازمانی نیست . وظیفه مهم ودائمی حزب ما برای آنکه قادر باشد نقش شایسته خود را در تحول جامعه ایفاء کند آنست که نیروی سازمانی خود را در شرایط بسیار دشوار کنونی احیاء نماید . داشتن یک سازمان حزبی منضبط ' بیکار جو شرط مقدم و محمل ضروری هر نوع مبارزه است . بدون آن قدرت ماتور حزب ' قدرت استفاده از اشکال مختلف مبارزه علنی و مخفی ' مسالمت آمیز و قهر آمیز از میان میرود . بعلاوه ضرور است که رهبری حزب از سازمان حزبی و نهضت و مردم دور نباشد تا بتواند ارز یابی صحیح موقع و تشخیص درست وضع سیاسی عمل کند زیرا بدون آن ضامنی برای مصون داشتن مشی رهبری از انحرافات ذهنی نیست .

۳۳ - تصریح برجسته تر بودن راه قهر آمیز تکامل انقلاب همچین بمعنای انصراف از شیوهها و اشکال عادی مبارزه ' از مبارزه برای و داشتن رژیم بعقب نشینی ' مبارزه برای عفو عمومی ' مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک ' مبارزه برای اتحاد کلیه نیرو های ضد رژیم ' مبارزات اعتصابی و غیره نیست . تنها زمانی که حزب بتواند از کلیه امکانات بدرستی استفاده کند ' نکته عمده را بدرستی تشخیص دهد و برای آن بدرستی تدارک ببیند . قادر است در پیچ و خم حوادث و در فرارزنویشب تغییرات ' جلش را بسوی موفقیت رهنمائی کند . حزب ما باید هم از اپورتونیزم و در پیش گرفتن روش پسیف و هم از آوانتوریزم و توسل بشیوه های سکتاریستی ایدیا پروریز کند .

بقیه از صفحه ۲

پیوند صحیح با دهانان و استفاده از نیروی عظیم انقلابی آنان بیاید .

قرار دادن شعار حزب ما در مورد وحدت عمل با جبهه ملی در قبال مسئله ضرورت اتحاد کارگر و دهقان که که در نزد برخی دیده میشود کار نادرستی است . حزب ما سیاست وحدت عمل با جبهه را علیرغم روش تفرقه جنوینه آگاهانه یا غیر آگاهانه رهبری کنونی جبهه بیگیرانه ادامه خواهد داد ولی در عین حال وظیفه اساسی خود را در تشکیل نیرو های وسیع مردم در زیر رهبری طبقه کارگر شناخته و میشناسد .

۲۴ - حزب ما در باره سازمانهای دیگر اپوزیسیون و از آنجمله ' جامعه سوسیالیستها ' نیز سیاست دعوت بوحدت را اجراء کرده است و طی نامه ای این سازمان را به توحید مساعی با خویش بر ضد رژیم فراخوانده است . کوشش برهبران این سازمان ' جدا کردن افراد حزب ما از رهبری است . در تبلیغات این سازمان روحیه مخالفت با اتحاد شوروی و حزب توده ایران رخنه زیادی دارد . واقیفات تا کنون نشان داده است که برخی ندا های وحدت طلبانه که در این اواخر از این جامعه شنیده شده بود ' محتوی سالم و قابل قبول ندارد . با اینحال ما همانطور که در نامه خویش خطاب باین جامعه تصریح کرده ایم ' برای هر گونه مذاکره جدی برای وحدت عمل با این جامعه بر ضد رژیم کودتا آماده ایم .

۴ - هدف تاکتیکی و خواستههای حزب ما

۲۵ - هدف تاکتیکی ما عبارتست از برچیدن بساط رژیم ضدملی و ضد دموکراتیک کودتا و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک . حکومتی که در جهت دفاع از صلح و دوستی خلفا ' تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ' تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم ' سیر کشور در جاده ترقی مادی و معنوی و تأمین رفاه عمومی زحمتکشان شهر و ده گام بردارد .

۲۶ - خواستههای حزب ما یعنی آن برنامه ای که بنظر ما بنیاد یک حکومت ملی و دموکراتیک در ایران اثر گذار کند از تحلیل عمیق وضع کنونی جامعه ایران و تضاد های درونی آن و درک عمیق ضرورتهای رشد جامعه ما بدست میآید . حزب ما در قبال سیاست تثبیت وضع بسود ارتجاع و امپریالیسم ' خواستار یک تحول بنیادی بسود مردم ایران است .

جامعه ما از سونی قریب یک یا دو قرن از جوامع پیشرفته جهان واپس مانده و از طرف دیگر انباشته از انواع ثروتها و استعدادات طبیعی و انسانی